

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: نسترن نصرتی

۲۴ اگست ۲۰۲۰

## بیانیه حزب کمونیست اسپانیا بلاروس: نیرنگ یک «میدان» دیگر

پیروزی الکساندر لوکاشنکو (با حمایت حزب کمونیست و دیگر نیروهای چپ) در انتخابات ریاست جمهوری که در ۹ اگست در بلاروس برگزار شد، نقشه‌های قدیمی واشنگتن و بروکسل را برای بی‌ثبات کردن کشور احیاء کرده است. هم ایالات متحده و هم اتحادیه اروپائی در بی‌اعتبار اعلام کردن انتخابات- بدون راییه سند برای اثبات ادعاهای خود- و تشویق معترضان در کشور برای سرنگون کردن دولت مینسک با سرعت عمل کردند. در واقع، ایالات متحده و کشورهای وابسته به آن (پولند، لیتوانی، جمهوری چک) که این شکل برای بی‌ثبات کردن را طی ماه‌ها تدارک می‌دیدند، پرچم دروغین آزادی و دموکراسی را مانند موارد دیگر بلند کردند.

کارزار علیه بلاروس مدت‌ها است ادامه دارد، لوکاشنکو را به مثابه «آخرین دیکتاتور اروپا» توصیف کرده، و حمایت گسترده از او و برگزاری انتخابات را نادیده می‌گیرند- سند آزار دهنده‌ای که با یک روایت مداخله‌جویانه بی‌اعتبار تلقی می‌شود:

اگر واشنگتن نتایج انتخابات را دوست داشته باشد، انتخابات بدون نقص است؛ اگر دوست نداشته باشد، انتخابات به وسیله دولتی که باید سرنگون شود، دستکاری شده است. وسواس امریکای شمالی و اروپا با بلاروس از این واقعیت ناشی می‌شود که کشور بخش چشمگیری از دست‌آورهای اجتماعی شوروی را- مانند مراقبت بهداشتی و آموزش، و همچنین مالکیت عمومی اکثر بنگاه‌های کشور را حفظ کرده است. اما، برنامه‌های نولیبرالی و جاه‌طلبی‌های امپریالیستی تازه نیستند: تحریم‌ها و فشار از طرف دولت‌های غربی به سال‌های بوش باز می‌گردد و بخشی از نقشه‌های بی‌ثبات کردن و تغییرات خشونت‌بار دولت‌هایی است که در گرجستان، اوکراین، قرقیزستان، مولداوی، قزاقستان و دیگر جمهوری‌های پیشین شوروی انجام شدند.

در این بحران جدید، درگیری پولند، لیتوانی و جمهوری چک انگشت‌نما است. این بحران همچنین در بستر عمل ایالات متحده با «اطلاعات» از رادیو اروپای آزاد- رادیو آزادی (که در آن ویکتار باباریکا، بانکدار فاسد مخالف به مثابه یک «نیکوکار» توصیف می‌شود) از طریق کمک مالی به اپوزیسیون راستگرا و لیبرال کشور، و آموزش گروه‌های مداخله‌گر برای ایجاد هرچومرج آغاز شد.

افراطی‌ترین بخش‌های غرب حتما خواهان مداخله ناتو در بحران بلاروس شده اند.

رسانه‌های محافظه‌کار، همراه با برخی نیروهای چپ‌گرا تسلیم کارزار بیرون آمده از واشنگتن و بروکسل شده اند، اعتراضات پس از انتخابات را خلاف واقع، مسالمت‌آمیز توصیف کرده اند.

گرچه موضوعات مرتبط دیگر (مانند حضور مزدوران روسی و آنگر در مینسک، که حضور آن‌ها را نمی‌توان نتیجه یک نقشه سرویس‌های مخفی اوکرائین ندانست) لازم است روشن شوند، اما دولت‌های غربی خواهان انفعال پولیس بلاروس هستند، و علی‌رغم اقدامات واضح گروه‌های نازی و دسته‌های راست افراطی، که مکمل اعتراضات اپوزیسیون لیبرال برای ایجاد هرج و مرج در مینسک و دیگر شهرها هستند، همه اعتراضات را مسالمت‌آمیز ترسیم می‌کنند. این حتا به ایجاد گروه‌هایی از زنان سفیدپوش انجامیده، با بازآفرینی کارزارها علیه کوبا، درصدد است «میدان» (Maidan) دیگری را برای توجیه اعمال تحریم‌های جدید، تعرضات سیاسی و دیپلماتیک بیافریند. هدف این است که نهایتاً از این به مثابه یک ماشه برای سرنگون کردن دولت لوکاشنکو استفاده شود.

علی‌رغم بیانیه‌های واشنگتن و بروکسل که اغلب با مطالبات ریاکارانه دمکراتیک تزیین می‌شوند، نقشه‌ای که ایالات متحده پیش می‌برد و به وسیله دولت‌های اقماری پولند، لیتوانی و جمهوری چک حمایت می‌شود، جاه‌طلبی تکرار نسخه موفق به کار گرفته شده در کودتای ۲۰۱۴ اوکرائین را دارد. که یک دولت راست افراطی را به قدرت رساند و سرکوب علیه چپ اوکرائین و همچنین جنگ در شرق کشور را به راه انداخت.

اتحادیه اروپائی با طراحان کودتای کیف در سال ۲۰۱۴ همکاری کرد و حمایت لجستیک و دیپلماتیک در اختیار آن‌ها قرار داد، از یک دولت دارای وزیرای نئونازی حمایت کرد و انتخابات بعدی اوکرائین را که در یک فضای ترور، و مثله شدن و قتل اعضای احزاب چپ‌گرا برگزار شد، محکوم نکرد. اتحادیه اروپائی هنوز هیچ نگرانی نسبت به فاجعه انسانی که شراکیش اوکرائین را به آن مبدل کرده اند، نشان نمی‌دهد، یا رژیم‌های گرجستان یا آذربایجان را محکوم نمی‌کند. اتحادیه اروپائی اکنون در سال ۲۰۲۰ بدون ارایه هیچ سندی انتخابات بلاروس را «نه آزاد، نه منصفانه» تلقی می‌کند. اتحادیه اروپائی دیگر هیچ اعتباری ندارد و نمی‌تواند خود را قاضی رفتار دمکراتیک خوب نشان دهد، به ویژه به این دلیل که برخی از دولت‌های عضو آن، مانند کشورهای بالتیک، هنوز بخشی از جمعیت خود را از حق شهروندی محروم می‌کنند.

بحران بلاروس و تلاش برای «میدان» جدید هیچ ارتباطی با آزادی و دمکراسی ندارد. در پشت همه این‌ها ایالات متحده قرار دارد، که به استقرار نیروهای نظامی خود در اروپای شرقی و آزار روسیه ادامه می‌دهد، در عین حال کانون‌های بحران در مرزهای روسیه را تحریک می‌کند، با بی‌ثبات کردن دولت‌های نافرمان آن‌ها را کاملاً محاصره می‌نماید. دولت ایالات متحده دو هدف دارد: از یک سو، قطع اتحاد سیاسی بین مسکو و مینسک، که قرار است به سمت یک دولت واحد حرکت کنند، تخریب طرح ستراتیژیک روسیه برای برقراری دوباره روابط تاریخی با جمهوری‌های پیشین شوروی و نهایتاً تحمیل یک رژیم دست‌نشانده در مینسک، شبیه کاری که در اوکرائین انجام داد؛ از سوی دیگر، جلوگیری از توسعه جاده ابریشم جدید که بلاروس یکی از شاخه‌های اصلی آن برای تضمین رشد ترانزیتی و تجاری بین چین و اروپا است. امپریالیسم پیر بدبخت امریکا به آزادی مبدل نشده است.

حزب کمونیست اسپانیا خواهان این است که اتحادیه اروپائی در بی‌ثبات کردن بلاروس شرکت نکند، و دولت‌های عضو نتایج انتخابات ریاست جمهوری را بپذیرند. حزب کمونیست اسپانیا همچنین معتقد است که اتحادیه اروپائی باید برای ایجاد یک فضای جدید همکاری در اروپای شرقی، بدون عملیات ایدائی و نقشه‌های واشنگتن برای سرنگون کردن دولت‌ها، کار کند. در عین حال، حزب کمونیست اسپانیا ریاکاری و مداخله‌گری ایالات متحده را در بلاروس و در اروپا،

بی‌اعتنائی آن به قوانین همزیستی بین کشورها و دنبال کردن سیاست‌های کهنه امپریالیستی، تلاش آن‌ها در جهت سرنگون کردن دولت‌ها برای تحمیل رژیم‌های دست‌نشانده و حفظ سلطه خود بر قاره اروپا را محکوم می‌کند.

[http://www.solidnet.org/\\_galleries/documents/Bielorrusia.pdf](http://www.solidnet.org/_galleries/documents/Bielorrusia.pdf)

[http://www.solidnet.org/\\_galleries/documents/Belarus1.pdf](http://www.solidnet.org/_galleries/documents/Belarus1.pdf)

تارنگاشت عدالت

منبع: شبکه همبستگی

۱۷ اگست ۲۰۲۰